

## بررسی جامعه‌شناختی فساد اقتصادی در ایران

سعید کشانی<sup>۱</sup>

اکبر خواجه<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

### چکیده

فساد مالی با ابعاد گوناگون آن در تمام کشورهای جهان (کم و بیش) وجود دارد. کشور ما نیز به نوعی با این عارضه دست به گریبان است و چندی است که توجهات به این مسأله معطوف شده است. از آنجا که فساد مالی مسأله‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است و در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود، راه‌حل‌های خاص خود را می‌طلبد. در این مقاله که با هدف تحلیل جامعه‌شناختی فساد مالی تدوین شده است، ضمن آشنایی با مفاهیم و ابعاد و آثار فساد مالی و معرفی انواع فساد مالی، به بررسی نظریات نظریه پردازان در این خصوص پرداخته و به صورت اجمالی آثار آن بر متغیرهای اقتصادی معرفی می‌شود. در نتیجه هدف برنامه‌ها و فعالیت‌های اصلی برای جلوگیری و مبارزه با پنج نوع فساد باید باشد که این فسادها شامل: مبارزه با فساد سیاسی و قانونی، مبارزه با اختلاس و سوء استفاده از بودجه دولت، مبارزه با اخاذی و اجحاف کارمندان و مسئولین نسبت به بخش خصوصی، مبارزه با سوء تخصیص و حق‌کشی در توزیع کالاها و خدمات دولتی و مبارزه با دزدی و سوء استفاده از اموال دولت می‌باشد.

**طبقه‌بندی JEL: Z13، D73.**

**واژه‌های کلیدی:** فساد، فساد مالی، فساد اقتصادی، رشوه، اختلاس.

## مقدمه

فساد مالی همزاد با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوء استفاده از اختیارات و مفسد مالی نیز شکل گرفته و همواره برای جامعه و عموم مردم تهدیدی جدی بوده و هست. فساد مالی، پدیده‌ای پیچیده، چند بُعدی و دارای علل و آثار چند گانه است که در اوضاع مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد. فساد مالی، گاهی به صورت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به صورت مسأله‌ای فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت نظام را به خطر بیندازد. در این مقاله به بررسی جامعه‌شناسی فساد اقتصادی با هدف شناسایی مفاهیم و ابعاد این پدیده و نظریه‌های موجود در این حوزه، در راستای شناسایی عوامل موثر بر آن پرداخته شده است. تعریف فساد در فرهنگ لغت آکسفورد عبارت است از انحراف از درستی به واسطه‌ی رشوه؛ و انحراف هر چیزی از خلوص اولی خود. مطابق چنین تعریفی، فساد حکومتی یعنی ظلم، و فساد در یک زبان یعنی انحراف آن از دستور زبان اولیه. لِه‌و و کبوی (۲۰۰۵) فساد را شامل اقدامات نفع طلبانه‌ی سیاست‌مداران، تجار، و مستخدمان دولتی می‌دانند که به طریق ناشایست و غیر قانونی و با سوء استفاده از مقام/شغل دولتی و خصوصی صورت می‌گیرد. به گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی (۱۹۹۷) فساد اداری دارای دو بعد است: ۱- در بعد اول، مقام دولتی در ارائه‌ی خدمات یا عقد قراردادها، منافع شخصی کسب می‌کند؛ و ۲- در بعد دوم، برای دریافت خدماتی که ارائه‌ی آن قانونی نیست، رشوه‌ای پرداخت می‌شود. در هر دو بعد، فساد در تمامی سطوح بخش دولتی یا خصوصی اتفاق می‌افتد و دامنه‌ی آن می‌تواند از فساد سطح بالا (تأثیر گذاری بر خط‌مشی ملی/بین‌المللی) تا انواع مختلف سطح پایین گسترش داشته باشد. منظور از مفسد مالی، فساد مالی کارکنان دولت نسبت به اموال دولتی یا اموالی است که در اختیار دولت است یا جرائمی که کارمندان و کارکنان دولت در راستای انجام وظایف قانونی خود انجام می‌دهند و جنبه مالی دارند. مانند: اختلاس، ارتشا، تصرف غیر قانونی، تدلیس در معاملات دولتی، اخذ پورسانت و ...؛ اما موضوع جرائم اقتصادی لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال نیست و هرگونه اقدامی که به اقتصاد کشور لطمه بزند هرچند که مال موضوع جرم متعلق به بخش خصوصی باشد، جرم اقتصادی خواهد بود.

مرتکب جرائم و مفسد مالی همواره کارمند دولت است اما لازم نیست که مرتکب جرم اقتصادی، لزوماً کارمند دولت باشد. متضرر از جرائم مالی دولت است در صورتی که متضرر جرم اقتصادی هم دولت و هم ملت است (ساک، ۱۳۸۹). هرچند تفاوت جرائم مالی با جرائم اقتصادی، جرائم علیه اعتماد و آسایش عمومی، از شفافیت خاصی برخوردار نیست، ولی در تفاوت جرائم اقتصادی و جرائم مالی می‌توان گفت: در جرائم مالی هدف حمایت

کیفری از حریم مالکیت خصوصی یا عمومی است در حالی که هدف از جرم‌انگاری در قلمرو جرائم اقتصادی، عبارتست از حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور (تولید، توزیع، پولی، ارزی، بانکی و گمرکی) البته گاهی گستردگی جرائم علیه اموال که اگر موجب اخلال در نظم اقتصادی کشور شود، می‌تواند عنوان جرم اقتصادی بخود بگیرد (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷).

## مبانی نظری

### نظریه‌های مربوط به مفاسد اقتصادی

به نظر می‌رسد ریشه‌یابی شکل‌گیری و تداوم فساد می‌تواند به دلایل مختلف باشد که برخی از آن‌ها ریشه‌های تاریخی دارند و برخی دیگر، از متغیرهای معاصر نشأت می‌گیرد. پلقرینی و گرلاف (۲۰۰۷) با جمع‌بندی مبانی نظری مرتبط با ریشه‌یابی فساد، عوامل مؤثر بر فساد را مطابق جدول زیر تشریح می‌کند:

جدول ۱. علل شکل‌گیری فساد

ردیف	منبع	علل فساد مالی
۱	لهو و کبوی (۲۰۰۵)	۱- عوامل سازمانی و اداری؛ ۲- عوامل فرهنگی و اجتماعی و ۳- عوامل روانشناختی و گرایشی
۲	پیلی (۲۰۰۴)	۱- کنترل‌های نامطلوب اجتماعی؛ ۲- قوانین متروک شده؛ ۳- فزونی تقاضا؛ ۴- سیاست مداران کارآفرین؛ ۵- دیوان‌سالاری حاد؛ ۶- احتیاط بیش از حد و ۷- ترتیبات اداری ناقص و کنترل‌های ناکافی.
۳	زکوس (۲۰۰۴) و کونتز و همکاران (۱۹۹۷)	کم توجهی به اخلاقیات
۴	تاناکا (۲۰۰۱)	ضعف نظام آموزشی
۵	پلقرینی و گرلاف (۲۰۰۷)	۱- کیفیت حکومت؛ ۲- نوع مذهب؛ ۳- قومیت و نژادگرایی؛ ۴- گسترش فقر و ۵- انحصار منابع کمیاب.
۶	سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۸۶)	۱- سوء مدیریت؛ ۲- ناکارآمدی نظارت؛ ۳- درآمد پایین کارکنان؛ ۴- زیاده‌خواهی افراد؛ ۵- کیفیت پایین قوانین و مقررات و ۶- نظام آموزشی غیراثربخش.

### نظریه‌های مربوط به محیط اقتصادی

هر چه فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و متنوع‌تر باشد، زمینه‌های کسب سود و در عین حال ارتکاب جرم نیز بیشتر است (نظریه‌های گایس و نظم اجتماعی فردی مری، و دلماس مارتی). استفاده ناخواسته قدرت‌های بزرگ از شرکت‌ها و صاحبان سرمایه، در واقع نیاز قدرت‌های بزرگ به پول توسط محیط اقتصادی بزرگ تامین می‌شود. از این رو به خاطر ارتباط فعالان اقتصادی با حاکمیت با جرائم آنها با اغماض برخورد می‌شود.

محیط اقتصادی محیطی شفاف نیست در نتیجه فعالیت آنها تحریک برانگیز نیست و تقبیح عمومی را به دنبال ندارد. رسیدگی به این جرائم به اهل فن واگذار می‌شود که این امر سبب تضعیف نمود بیرونی کنترل این جرائم می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱).

نقش نظام اقتصادی در وقوع جرائم اقتصادی نیز بدین گونه است که در کشورهای سرمایه داری مالکیت خصوصی محترم و اعمال علیه آن جرم محسوب می‌شود. در این کشورها با مجرمین یقه سفید روبرو هستیم. اما در کشورهای سوسیالیستی مالکیت عمومی و اشتراکی در چنین نظام‌هایی سبب می‌شود که شهروندان درکی از مفهوم دارا شدن نداشته باشند. بنابراین، جرم یقه سفیدی موضوعیت ندارد و آنچه هست فساد دولتی است. در کشورهای سرمایه داری در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی امکان افزایش بزهکاری حرفه‌ای بالا است. بر خلاف دوران رکود اقتصادی که بزهکاری حرفه‌ای کاهش می‌یابد و جرائمی که ریشه آنها غالباً اقتصادی است. چون سرقت، خیانت در امانت و کلاهبرداری و ... رو به افزایش است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱).

### نظریه های جامعه شناختی

مجازات‌هایی که توسط مقنن وضع و از سوی قاضی مورد حکم قرار می‌گیرد و توسط مأمور زندان به اجرا گذاشته می‌شود، در ارتکاب و ازدیاد و نقصان جرایم کوچک‌ترین تأثیری ندارد. به نظر امیل دورکهایم، جامعه‌شناس فرانسوی، نتایجی که در خصوص طبیعی بودن پدیده جرم به دست می‌آید، به شرح زیر است:

از آنجایی که ارتکاب جرم پدیده طبیعی هر اجتماع است، از این رو نباید علل آن را در امور استثنایی جستجو کرد؛ بلکه بر عکس این علت‌ها در جریان‌ات کلی بنیادها و فرهنگ‌های هر جامعه وجود دارند. همچنین به دلیل این که ارتکاب جرم نتیجه کلی جامعه است، بنابراین وجود جرائم و ارتباط آن با بنیادهای جامعه و تشکیلات کلی و اجتماعی امری دایمی است (گلدوزیان، ۱۳۸۸)؛ در نتیجه نمی‌توان جرائم را به طور مجرد و منفصل از سایر عوامل اجتماعی بررسی نمود، بلکه باید آن را در مجموعه‌ای از تمامی عوامل فرهنگی و اجتماعی، چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی، مورد مطالعه قرار داد.

### نظریه های مربوط به محیط اجتماعی

محیط اجتماعی نیز در پیدایش و گسترش جرائم نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. در تأیید این امر آنریکوفری، دانشمند بزرگ در عرصه جرم‌شناسی می‌گوید: "اگر چه عوامل زیستی و انسانی در تحریک جنایتکاران به ارتکاب جرم نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند؛ ولی نباید شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جمله بی‌سوادی،

نحوه تعلیم و تربیت، ارتباطات فامیلی، رفتار والدین با اطفال و محیط خانوادگی و تحصیلی را از نظر دور داشت". وی معتقد است: "هر جامعه ظرفیت مقدار معینی از جنایتکاران را داشته و میزان جرایم در هر اجتماع مقدار معین و مشخصی است که تابع نظم و ترتیب و شرایط خاص همان جامعه می باشد" (گلدوزیان، ۱۳۸۸). تاثیر شرایط سیاسی بر بزهکاری اقتصادی هم بدین گونه است که بعنوان مثال؛ نوسانات بزهکاری تا اندازه زیادی تحت تاثیر اقدامات قوه مقننه است؛ زیرا، با یک جهت گیری اقتصادی توسط آن ارزش های جدیدی به وجود می آید که نقض آنها جرم انگاری می شود و بر تعداد مجرمین می افزاید. برعکس اگر یک سلسله جرائم را نادیده بگیرد؛ نرخ بزهکاری پایین می آید.

### نظریه روان ژان پیناتل

بزهکار اقتصادی از عقده حقارت رنج می برد و همین امر عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت بشمار می رود. او عقده خود را با خرید کالاهای اشرافی نشان می دهد مثلاً استفاده از خودرو های آخرین سیستم. ولی، در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته علایم بیرونی قدرت را که حساسیت برانگیز است مخفی می نماید. مثلاً به منظور عدم پرداخت مالیات اموال، آنها را به پول نقد تبدیل یا به شخص دیگری در خارج منتقل می کند. ایراد این نظریه این است که فرد مجرم را جدای از محیط و موقعیت یا وضعیتی که در آن عمل می کند قضاوت و تحلیل می کند. مثلاً کارمندی که اراده ارتکاب جرم دارد ولی کنترل های قانونی و اداری مانع این امر می شود (ساک، ۱۳۸۹).

### نظریه فشار مرتن

بزهکاران اقتصادی، وسایل قانونی را به منظور دست یابی به بالاترین نماد موفقیت دور می زنند. در واقع بین اهداف سطح بالای بزهکاران اقتصادی و وسایل قانونی دست یابی به اهداف شکاف قابل توجهی وجود دارد. درست مثل کسی که می خواهد در مسابقات وزنه برداری مقام نخست را کسب کند ولی به دلیل عدم تمرین به دوپینگ متوسل می شود. خلاقیت بزهکار اقتصادی به واسطه شکاف بین هدف های مادی و وسایل و امکانات قانونی ایجاد می گردد. که فرد را در یک حالت خلاء هنجاری و عدم احساس پایبندی قرار می دهد. هر چقدر این شکاف بیشتر باشد بی اعتنایی به هنجارها و دور زدن قانون بیشتر می شود. مرتن بزهکاری را ناشی از وضعیتی می داند که جامعه به وجود آورده است وی معتقد است که جامعه باید از طریق تبلیغات در این اهداف تجدیدنظر نماید و امکان دستیابی را برای همه فراهم نماید. این نظریه مختص جوامع دارای اقتصاد

غیردولتی است. زیرا، در کشورهای دارای اقتصاد دولتی خود دولت فروشنده و تاجر بزرگ محسوب می‌شود (ساکی، ۱۳۸۹).

### نظریه‌های چند عاملی

این نظریه‌ها جرم را نتیجه تعامل عوامل مختلف می‌دانند.

الف- نظریه فونتان: وی انگیزه را دلیل ارتکاب جرم توسط مجرمین اقتصادی معرفی می‌کند و در انگیزه سه عامل را موثر می‌داند:

۱. عوامل روانی و فردی مثل عدم پختگی اقتصادی یا گذشته ناموفق و ...

۲. عوامل اجتماعی: قضاوت دیگران، محیط پیرامون که بخشی از شخصیت افراد را تشکیل می‌دهد و فرد تلاش می‌کند از هر طریق ممکن ثروت اندوزی کند.

۳. عوامل مادی: جنون کسب پول و مادیات چنان است که عقلانیت را متوقف می‌کند در نتیجه دست به ارتکاب جرم می‌زند.

ب- نظریه کوراکیس: وی جرائم اقتصادی را ناشی از سه عامل تاریخی، محیطی و فردی می‌داند. او عامل تاریخی را در سه فرایند افزایش جمعیت، توسعه شهرها و توسعه صنعت و فن آوری که مسئولیت اشخاص حقوقی را نشانه می‌رود بیان می‌دارد. برای عامل محیطی دو رکن جامعه در مفهوم کلان که افراد را به مصرف هر چه بیشتر ترغیب می‌کند و فن آوری نوین که به ابزاری برای جرائم اقتصادی تبدیل شده است بیان می‌دارد. در واقع این دو عامل ارزش‌های جدیدی ایجاد کرده‌اند. عامل سوم شخصیت بزهکار یعنی زرنگی و هوش مرتکبین این جرائم است که او را به سمت سوء استفاده به موقع از سادگی بزه دیدگان سوق می‌دهد.

ج- نظریه بائر: این نظریه بر واکنش اجتماعی نسبت به جرائم تکیه دارد و ضمانت اجرایی جرائم اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. که این عوامل عبارتند از:

۱. ضعف مبارزه با جرم اقتصادی یا سبک بودن ضمانت اجرایی این جرائم.

۲. ارتباط محافل سیاسی با محافل قدرت و سیاست، آنها در تدوین لوایح اثرگذارند و با خدماتی که به محافل قدرت می‌کنند. توقعاتی از این مسوولین دارند.

۳. موقعیت اجتماعی بزهکاران که موقعیت اعتماد ساز است و می‌تواند جرم‌زا باشد.

۴. فن آوری که باعث سهولت ارتکاب این جرائم توسط افراد صاحب فن شده است.

جهانی شدن که از دو بعد قابل بررسی است؛ اول آنکه جهانی شدن اقتصاد در قالب شرکت‌های چند ملیتی

متبلور شده است و ورود این شرکت‌ها به کشورها، تغییر ارزش‌های اقتصادی را به دنبال دارد. دوم جهانی شدن معنوی که از طریق اسناد بین‌المللی صورت می‌پذیرد. جهانی شدن اقتصاد زمینه سوء استفاده‌های بین‌المللی فراهم می‌شود.

## انواع فساد اقتصادی

صورت‌های مختلفی از فساد اقتصادی وجود دارد که ممکن است آشکارا و یا به طور مخفیانه باشد. ممکن است فساد اقتصادی با هدف کسب منافع شخصی و یا از روی کینه صورت بگیرد. در هر صورت مشتری و مصرف‌کننده هزینه فساد اقتصادی را می‌پردازد. فساد رقابت را فرو می‌نشاند و بازار آزاد را واژگون می‌سازد. فساد اقتصادی صورت‌های مختلفی دارد از جمله رشوه، کلاهبرداری، اختلاس و بازپرداخت که در ادامه به تعریف این موارد می‌پردازیم.

رشوه: رشوه رایج‌ترین نوع فساد در کسب و کار است. رشوه می‌تواند بین دو فرد و یا یک فرد و یک سازمان عمومی اتفاق بیفتد. رشوه انواع مختلفی دارد؛ برخی اوقات که به آن پول چرب می‌گویند، کارکنان پیش از اینکه در مورد کاری تعهد کنند یا مجوزی صادر نمایند از طرف مقابل پول دریافت می‌کنند (سگراوز، ۲۰۱۲). محمد جعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه (جزا) دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل دریافت‌کننده مال نباشد. خواه به طور مستقیم آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد.

فرق نمی‌کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و تفاوت نمی‌کند که کاری که برای راسی می‌بایست انجام شود، حق باشد (بر طبق قانون) یا نه (اسلامپور کریمی، ۱۳۸۷). کلاهبرداری: کلاهبرداری نوع دیگری از فساد اقتصادی است که اعضای یک شرکت از آن برای منافع شخصی سوء استفاده می‌کنند. این نوع از کلاهبرداری هم در بخش‌های عمومی و هم در بخش‌های اختصاصی دیده می‌شود (سگراوز، ۲۰۱۲). کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه است و به لحاظ تسلط بر مال غیر با سرقت و خیانت در امانت مشابه است، اما دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از جرایم مذکور جدا می‌کند. از جمله به کار بردن وسیله متقلبانه، اغفال مالباخته و تسلیم مال از طرف وی به کلاهبردار ویژگی خاص کلاهبرداری است که در سایر جرایم وجود ندارد. به لحاظ اینکه جرم مذکور به روش‌های مختلف واقع می‌شود، تحولات اجتماعی در تغییر چهره‌های مختلف کلاهبرداری نقش مؤثر و مستقیم دارد و لازم است در بررسی این جرم به نکات مذکور توجه بیشتری شود تا هم حقوق متهمان حفظ شود و هم کلاهبرداران با اغفال

مخاطبین خود اموال آنها را به یغما نبرند (حبیب زاده، ۱۳۷۷).

اختلاس: برداشتن اجناس شرکت برای استفاده شخصی را اختلاس می‌گویند. اشخاصی که توانایی تنظیم دوباره سرمایه و پنهان کردن این حقیقت که سرمایه مفقود شده است را دارند، متخلف هستند (سگراوز، ۲۰۱۲). اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت مطرح بوده و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد و همواره به عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌گردد. معیار تحقق جرم اختلاس تصاحب و برخورد مالکانه کردن با مال می‌باشد، می‌توان دایره این جرم را به اموال بانکهای خصوصی، شرکت‌های سهامی غیر دولتی، احزاب، سندیکاها و نیز به اموال غیرمنقول تعمیم داد (رمضانی، ۱۳۷۹).

بازپرداخت: در کسب و کار بازپرداخت به پرداخت‌هایی اطلاق می‌شود که توسط فروشندگان و در عوض قراردادهایی که موجب تورم بیش از حد هزینه کار انجام شده هستند، صورت می‌گیرد. در حقیقت این نوعی کمیسیون است که از قبل در عوض خدمتی که ممکن است استرداد شود به رشوه گیرنده داده می‌شود (سگراوز، ۲۰۱۲).

### روش تحقیق

این مقاله به روش کتابخانه‌ای نگاشته شده است. در این نوع مقاله، نویسنده بامطالعه کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و سایت‌ها، مطالبی را درباره یک ایده یا موضوع از منابع مختلف، گردآوری می‌کند و به تحلیل کلان و ارزیابی انتقادی نوشته‌هایی می‌پردازد که قبلاً منتشر شده است. این مقاله ضمن مقوله‌بندی، یکپارچه‌سازی، و ارزشیابی متون منتشر شده پیشین، سیر پیشرفت پژوهش‌های جاری را در جهت روشن ساختن نظریات حول محور مفاسد اقتصادی بیان کرده به بررسی جامعه‌شناختی مفاسد اقتصادی می‌پردازد.

### یافته‌های تحقیق

بی‌شک، عوامل مختلفی بر شکل‌گیری و گسترش فساد تأثیرگذار هستند که از یک شرایط وضعی به شرایط وضعی دیگر در حال تغییر هستند. به عنوان نمونه دفتر نخست‌وزیری کره جنوبی، علل شکل‌گیری فساد را در این کشور به سه گروه زیر تقسیم بندی کرده است (لهو و کبوی، ۲۰۰۵):



## ۱. عوامل سازمانی و اداری

- مقررات غیر واقع‌بینانه یا غیر ضرور
- تعاریف و استانداردهای عملیاتی مبهم در قوانین و مقررات
- رویه‌های اداری پیچیده و بغرنج
- حقوق و دستمزد پایین کارکنان دولتی

## ۲. عوامل فرهنگی و اجتماعی

- زد و بندهای میان سیاست‌مداران، مقامات دولتی و تجار
- ساختار اجتماعی که از مقامات اداری و دولتی حمایت و برای آنان امتیاز ویژه قائل است.
- محیط فرهنگی که رفتارهای غیرمعمول و افراطی در هدیه دادن، تبریک و تسلیت گفتن را ترغیب می‌کند.

## ۳. عوامل روانشناختی و گرایشی

- سطح پایین اخلاقیات و درستی در ادارات دولتی
  - رواج خودگرایی، خویشاوندمداری، منطقه‌گرایی و گروه‌های علمی در جامعه
- شاخص‌های مختلفی را برای اندازه‌گیری میزان شیوع پدیده فساد مالی در یک جامعه مطرح کرده‌اند. در این قسمت به چند شاخص مهم اشاره می‌گردد (دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷):
- (۱) شاخص مفهومی فساد مالی؛ جامع‌ترین شاخص کمی موجود در پژوهش کشوری که با استفاده از آن، وضعیت هر کشور را می‌توان به‌طور جداگانه بررسی کرد، شاخص مفهومی است. این شاخص به‌وسیله گروهی از پژوهشگران دانشگاه گوتینگن<sup>۱</sup> تدوین شده است و میزان پذیرش رشوه، پرداخت‌های غیرقانونی در قراردادهای عمومی، اختلاس پول و سرمایه عمومی و انجام جرائم مشابه توسط مقام‌های سیاسی و دولتمردان را ارزیابی می‌کند. در این شاخص، کشورها براساس یک مقیاس، برحسب سطح مفهومی فساد مالی از ۱۰ تا صفر رتبه‌بندی شده‌اند. نمره ۱۰ نمایان‌گر کشوری است که عاری از هرگونه فساد مالی است و نمره صفر نشان‌دهنده کشوری با فساد کامل است (رهبر، ۱۳۸۱).

- (۲) شاخص شهرنشینی؛ افزایش شهرنشینی به‌دنبال خودافزایش دیوان‌سالاری (بوروکراسی) را به‌همراه دارد. در این صورت، کارمندان فاسد می‌توانند با عملکردهای مختلفی زمینه را برای اخاذی و گرفتن رشوه از مراجعان فراهم کنند و ارباب رجوع نیز برای این که از این رابطه استفاده نماید، متوسل به دادن رشوه می‌شود. در یک بررسی به‌عمل آمده با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی، ضریب شهرنشینی در توزیع اختلاس و ارتشا (فساد

مالی) مثبت و با اطمینان ۹۷ درصد، قابل قبول است. بدین معنی که با ۹۷ درصد اطمینان می‌توان مدعی شد که شهرنشینی و گسترش آن به فساد مالی بیشتر و گسترده‌تر می‌انجامد.

۳) شاخص کارمندان (تعداد کارمندان به تعداد ارباب رجوع)؛ در بررسی به عمل آمده این ضریب با علامت منفی معنی دار ظاهر شده و علت منفی بودن آن این است که با تعداد ارباب رجوع مشخص اگر تعداد کارمندان کم شود، فساد مالی گستردگی بیشتری پیدا می‌کند و رسیدگی به درخواست‌های ارباب رجوع متضمن صرف وقت بیشتر و اخاذی و ارتشا از سوی کارمندان است. در این میان، افرادی که دارای روابط قوی‌تر و تمکن مالی هستند، کارهای خود را سریع‌تر می‌توانند انجام دهند.

۴) شاخص بودجه (میزان بودجه جاری و عمرانی استانی به تعداد کارمندان شاغل در استان)؛ در بررسی به عمل آمده با افزایش بودجه سرانه کارمندان و کارمندان شاغل، تعداد پرونده‌های مفاسد مالی نیز افزایش می‌یابد؛ در واقع هرچه بودجه سرانه‌ای که در اختیار کارمند است، افزایش یابد، انگیزه وی برای سوء استفاده مالی نیز افزایش خواهد یافت. سازمان‌هایی که از بودجه بیشتری بهره‌مند هستند، تعداد پرونده‌های اختلاس و ارتشای بیشتری دارند؛ که البته این پرونده‌ها و فعالیت‌های فسادآلود، بیشتر در خریدهای خارجی، خریدهای کلان و قراردادهای مقاطعه‌کاری و مناقصه‌ها صورت می‌گیرد.

۵) شاخص صنعتی (تعداد واحدهای صنعتی به جمعیت)؛ متقاضیان واحدهای صنعتی برای تسریع در دریافت مجوز برای شروع فعالیت‌های خود، مجبور به انجام کارها و اقداماتی می‌شوند که از مصادیق فساد مالی هستند. مواردی که تحت عنوان شاخص‌های فساد مالی بیان شد، تمام شاخص‌های معرف پدیده و معضل فساد مالی نیستند و می‌توان به مواردی از قبیل میزان حقوق و مزایای کارکنان، وجود قوانین صریح و مقررات شفاف، وجود نهادهای نظارتی دولتی، مردم و ... به عنوان شاخص‌هایی که فساد مالی را اندازه‌گیری و تبیین می‌کنند، اشاره نمود.

وجود فساد مالی به متغیرهای اقتصادی هر کشور آسیب وارد می‌کند که از جمله این آسیب‌ها موارد ذیل می‌باشد:

۱. تخصیص منابع به صورت غیر کارآ؛ فساد مالی، روند کار بازارها و تخصیص منابع را مختل می‌کند؛ زیرا توان دولت را برای وضع مقررات کنترلی و نظارت‌های مورد نیاز برای اصلاح نقایص بازار کاهش می‌دهد. در صورتی که دولت نتواند نقش نظارتی خود را در بانک‌ها بیمارستان‌ها، مراکز توزیع مواد غذایی، سیستم حمل و نقل بازارهای مالی و مانند آن ایفا کند، بی‌تردید بخشی از فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، چنانچه دولت یا دولت‌مردان برای سوء استفاده و با هدف منافع در امور دخالت کنند مانند ایجاد انحصارات دواتی

برای منافع شخصی خودبه‌خود بر میزان مشکلات و کاستی‌ها افزوده می‌شود (رهبر، ۱۳۸۱).

۲. توزیع نابرابر درآمد و افزایش نابرابری؛ فساد مالی باعث کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود که در پی آن کسری بودجه دولت افزایش می‌یابد و دولت نمی‌تواند برنامه‌ریزی مالی جامع و درستی داشته باشد. فساد مالی نابرابری در درآمدها را نیز افزایش می‌دهد؛ زیرا به افرادی که موقعیت مناسبی برای سوء استفاده و رشوه‌خواری دارند، امکان می‌دهد به قیمت ضایع کردن حقوق دیگران، به تأمین منافع خود پردازند. شواهد و مدارک محکم نشان می‌دهد که بخشی از تغییرات توزیع درآمد در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهایی که پیش از این دارای اقتصاد متمرکز بوده‌اند ناشی از خلاف قانون و مفاسدی نظیر خصوصی‌سازی است (رهبر، ۱۳۸۱).

۳. تولید غیر کارآ و از بین رفتن انگیزه؛ فساد، موجب از بین رفتن انگیزه می‌شود؛ چراکه افراد توانمند و خلاق در فضایی که فساد مالی زیاد باشد، ترجیح می‌دهند انرژی و توان خود را صرف کارهای خلاف و رانت‌جویی کنند و کمتر به فعالیت‌های سازنده و مؤثر روی آورند. به عبارت دیگر، استعدادهای درخشان و کارآفرین به سمت کارهای غیر تولیدی و نامولد سوق پیدا می‌کند و مدیران نیز به فعالیت‌هایی به‌جا می‌دهند که عایدی‌های کلانی برای آنها داشته باشد (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳).

۴. توجه کمتر به خدمات عمومی؛ فساد مالی باعث می‌شود ترکیب مخارج دولت عوض شود؛ چراکه دولت‌های فاسد برای خدمات عمومی نظیر آموزش و پرورش و بهداشت کمتر هزینه می‌کنند و بیشتر سرمایه‌گذاری دولت به سمت فعالیت‌هایی سوق می‌یابد که پیچیده و پرهزینه بوده و کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این امر باعث افزایش هزینه‌های عملیاتی و تعمیر و نگهداری نیز خواهد شد. مطالعات در این مورد نشان داده که اگر کشوری درجه فساد خود را از شش به هشت برساند، مخارج آموزشی‌اش به میزان  $\frac{1}{2}$  درصد افزایش می‌یابد (مایورو، ۱۳۷۷).

۵. تحمیل هزینه‌های زیاد بر جامعه؛ فساد به‌صورت مالی اختیاری (با هزینه‌های رفاهی زیاد) عمل می‌کند. در مواردی که فساد مالی به‌صورت متمرکز صورت نمی‌گیرد، ماهیت اتفاقی و تصادفی آن باعث می‌شود هزینه‌های فراوانی بر جامعه تحمیل شود؛ زیرا هزینه‌های جستجو و پیدا کردن فرد و یا افراد رشوه‌گیر نیز به هزینه‌های مذاکره و رشوه پرداخت شده افزوده می‌شود. وقتی فساد به‌صورت متمرکز نباشد، ممکن است تعهدهایی که با پرداخت رشوه حاصل شده، تحقق پیدا نکند (رهبر، ۱۳۸۱).

۶. عدم انجام وظایف به‌صورت صحیح؛ فساد موجب کاهش یا اختلال نقش دولت (مانند اجرای قراردادهای حمایت از حقوق مالکیت‌ها و ...) می‌شود. زمانی که افراد خارج از تعهد خود عمل کنند یا عملی غیر از آنچه در قراردادها ذکر شده، انجام دهند یا به دلیل وجود فساد مالی از حقوق مالکیت خود سوء استفاده کنند، در واقع یکی

از نقش‌های اصلی دولت مخدوش شده است (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳).

۷. از بین رفتن مردم‌سالاری؛ فساد، قانون‌مندی اقتصاد بازار و در برخی موارد حقانیت مردم‌سالاری را زیر سؤال می‌برد. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال گذر، معمولاً از مردم‌سالاری و اقتصاد بازار، انتقادی شده است که اکثر آنها به دلیل وجود فساد مالی بوده است. از این‌رو می‌توان گفت که فساد مالی حرکت به سوی مردم‌سالاری و اقتصاد بازار را کند و حتی متوقف می‌سازد (رهبر، ۱۳۸۱).

۸. گسترش فقر؛ فساد، موجب افزایش فقر و بدبختی شده و سطح درآمد فقرا را کاهش می‌دهد.

۹. کاهش درآمد مالیاتی دولت؛ فساد مالی، موجب کاهش درآمدهای مالی دولت می‌شود؛ زیرا بر اداره‌های مالیات و گمرک اثر مستقیم دارد. از این‌رو دولت نمی‌تواند با درآمد ناکافی از عهده هزینه‌های عمومی برآید (رهبر، ۱۳۸۱).

۱۰. تغییر فرهنگ اقتصادی؛ فساد، الگوی مصرفی جامعه را از مصرف کالاهای داخلی به سمت مصرف کالاهای خارجی و لوکس تغییر جهت می‌دهد؛ چراکه ترکیب هزینه‌های مصرفی نشان می‌دهد که مصرف در سطح وسیعی، تحت تأثیر و کنترل و افزایش مصرف اقشار پردرآمد و ثروتمند جامعه است. الگوی توزیع نابرابر درآمد، منجر به الگوی مصرفی نامتعادل می‌شود. همچنین در جامعه‌ای که فساد و مصادیق آن گسترش یافته باشد، استعدادها و توانمندی‌های جامعه از تولیدات مفید و زیربنایی روی برگردانده و به سمت فعالیت‌ها و تولیدات زودبازده و مصرفی معطوف می‌شود و این خود جامعه‌ای مصرفی و وابسته را شکل داده و گسترش می‌دهد. نتیجه این نابسامانی‌ها، تغییر الگوی مصرفی و به‌نوعی تغییر فرهنگ اقتصادی در جامعه خواهد بود (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳).

۱۱. کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری مردم؛ فساد مالی موجب می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش یابد. این کاهش انگیزه، هم بر سرمایه‌گذاری خارجی و هم داخلی اثر خواهد داشت. علت اصلی کاهش سرمایه‌گذاری، ناشی از هزینه‌های سنگین و عدم اطمینانی است که فساد مالی ایجاد می‌کند و کاهش نرخ رشد اقتصادی نتیجه مستقیم کاهش سرمایه‌گذاری است. از طرف دیگر، اعمال فاسد برای به دست آوردن مجوزهای سرمایه‌گذاری، انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش خواهد داد و سودآوری تولیدی کاهش می‌یابد. همچنین زمانی که منافع عمومی که برای ساختن زیربناهای تقویت‌کننده تولید و زیرساخت‌های اقتصادی در نظر گرفته شده، به مصارف خصوصی مدیران، سیاستمداران و مسئولین برسد، باعث خواهد شد که کارآفرینی کم شده و فعالیت‌های رانت جویانه گسترش یابند و این به نوبه خود، بر رشد اقتصادی نیز اثر منفی خواهد گذاشت (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳).

۱۲. تأثیر منفی بر رشد اقتصادی (رهبر، ۱۳۸۱)؛ فساد مالی نه تنها بر کارایی اقتصادی و تخصیص منابع و توزیع درآمدها و همچنین سرمایه‌گذاری، اثری منفی دارد؛ بلکه در مجموع می‌توان مدعی شد که تأثیرات زیانباری هم بر رشد اقتصادی دارد. مطالعات و تحقیقات بسیاری در مورد کشورهای جهان صورت گرفته که نشان می‌دهند فساد مالی اثر منفی (در بلندمدت) بر رشد اقتصادی دارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

فساد مالی عارضه‌ای است که اغلب از کنش متقابل دولت و اقتصاد بازار سرچشمه می‌گیرد، بویژه اگر خود دولت نیز به ناچار نقشی درون‌زا برعهده داشته باشد. نمودهای عینی فساد مالی تا حدود زیادی پیچیده، چندوجهی و دارای شکل‌ها و شیوه‌های متفاوت است. عارضه فساد مالی از فعل ساده پرداخت غیرقانونی به یک کارمند دولت تا ناکارکردی فراگیر یک نظام سیاسی یا اقتصادی را در بر می‌گیرد. فساد مالی هم به عنوان یک مشکل ساختاری سیاسی یا اقتصادی، و هم به عنوان یک معضل اخلاقی یا تربیتی فردی قابل تامل است.

متأسفانه در قوانین موجود تعریفی از فساد اقتصادی به عمل نیامده و همین امر نیز باعث برداشت‌های مختلف و گاه متناقضی از این مفهوم شده است. این در حالی است که افکار عمومی و بخشی‌هایی از حاکمیت، معنای خاصی از مفهوم فساد اقتصادی در ذهن دارند. بر اهل فن پوشیده نیست که برداشت‌های متفاوت از ماهیت مفاسد اقتصادی چگونگی روند مبارزه با آن را کند و گاه به طور کلی تغییر می‌دهد. بدون تردید ابهام مفهومی و سایر ضعف‌های قانونی با اصول مترقی، چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده اصولی قبح عقاب بلایبیان نیز منافات صریح دارد و قانون‌گذار باید در جهت وضوح مفهومی این عنوان و جلوگیری از برداشت‌های متفاوت و در نتیجه اقدامات ناهمگون اقدام کند. در زمینه مصادیق جرم اقتصادی نیز دسته‌بندی مشخص و مستند و بر مبنای قانونی وجود ندارد. هدف برنامه‌ها و فعالیت‌های اصلی باید جلوگیری و مبارزه با پنج نوع فساد باشد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- مبارزه با فساد سیاسی و قانونی،
- مبارزه با اختلاس و سوء استفاده از بودجه دولت،
- مبارزه با اخاذی و اجحاف کارمندان و مسئولین نسبت به بخش خصوصی،
- مبارزه با سوء تخصیص و حق‌کشی در توزیع کالاها و خدمات دولتی (به‌ویژه محصولات شرکت‌های دولتی)،
- مبارزه با دزدی و سوء استفاده از اموال دولت،

برای نیل به این اهداف، روش‌های فوق‌الذکر را می‌توان در قالب گروه‌های زیر ارائه داد. ایجاد شفافیت اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های مالی و نحوه توزیع خدمات و محصولات دستگاه‌ها و مؤسسات وابسته به دولت به گونه‌ای که مردم و مسئولین به طور یکسان به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.

- فعالیت‌های تجسسی به منظور شناسایی موارد فساد اداری این فعالیت‌ها به ۳ گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) بررسی‌های آماری در مورد رعایت عدالت و ضابطه در توزیع خدمات و امکانات دولتی؛

ب) تحقیقات نیروهای اطلاعاتی و انتظامی در مورد افراد و نهادهای مظنون به فساد؛

ج) راهکارهای لازم برای شناسایی کارمندان و سیاستمداران فسادپذیر؛

- ایجاد مراکز مستقل رسیدگی به شکایات مردم از مراجع دولتی؛

- ایجاد شرایط مناسب برای حساب‌کشی دموکراتیک؛

- مطالعه و ارزیابی مستمر هزینه و عملکرد فعالیت‌های ضد فساد در کلیه سطوح دولت؛

## منابع و مأخذ

- ۱- اسلامپور کریمی، عسکر. (۱۳۸۷). رشوه، پدیده شوم اجتماعی، مجله علمی خبری مبلغان، شماره ۱۰۹، ص ۷۷، آبان و آذر.
- ۲- بخشی، علی. (۱۳۹۱). آثار و پیامدهای فساد مالی را توضیح بدهید، پایگاه آموزشی پژوهشی پژوهش تبلیغ.
- ۳- حبیب زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۷). مجله دادرسی، شماره ۸، ص ۲۴، خرداد و تیر.
- ۴- دادگر، حسن و معصومی‌نیا. (۱۳۸۳). غلام‌علی؛ فساد مالی، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- ۵- دادگر، حسن. (۱۳۸۳). رویکرد اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، صص ۹۷-۱۱۶.
- ۶- دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۷). بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران، تهران، مجله مجلس و پژوهش، ش ۲۵، صص ۱۲۳-۱۲۰.
- ۷- رهبر، فرهاد و دیگران. (۱۳۸۱). بازشناسی عارضه فساد مالی، تهران، جهاد، چاپ اول.
- ۸- رضانی، احمد. (۱۳۷۹). ارکان جرم اختلاس، نامه مفید، شماره ۲۴، زمستان.
- ۹- ساکی، محمدرضا. (۱۳۸۹). حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل.
- ۱۰- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ ۱۸.

- ۱۱- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۶). حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- مایورو، پائولو. (۱۳۷۷). فساد، سبب‌ها و پیامدهای آن، ترجمه عزیز کیاوند، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۳۳، ص ۱۴۸.
- ۱۳- معاونت آموزش قوه قضاییه. (۱۳۸۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در جرائم اقتصادی، انتشارات جاودانه.
- ۱۴- می ری، دلماس مارتی. (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی مفهوم شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان.

### منابع لاتین

1. Bohara AK, Mitchell NJ, Mittendorff CF (2004) «Compound democracy and the control of corruption: a cross-country investigation», Policy Study, Vol.32, No.4, pp.481-499.
2. DiPiazza, A. Samuel (2008), «Confronting Corruption», January. Goozner, Merrill (2014), The Fiscal Times, ([www.thefiscaltimes.com/Articles/2011/12/13/The-Ten-Largest-Global-Business-Corruption-Cases](http://www.thefiscaltimes.com/Articles/2011/12/13/The-Ten-Largest-Global-Business-Corruption-Cases)), Accessed on November.
3. Hill KQ (2003) «Democratization and corruptionsystematic evidence from the American states», American Politics Research, Vol. 31, No.6, PP.613-631.
4. Koontz, H. and Weihrich, H. (1997) Essentials of Management, New York: McGraw-Hill Publishing Company.
5. La Porta R, Lopez-De-Silanes F, Shleifer A et al. (1999) «The Quality of Government», J. Law Econ Organ, Vol.15, No.1, PP.222-279.
6. Lho, K. and Cabuay, J. (2005) «Corruption in the Korean public and private sectors», In Nicholas Tarling (Ed.), Corruption and Good Governance in Asia,, New York, Routledge.
7. Mauro P (1995) «Corruption and growth», Q. J. Econ, Vol.110, No.3, pp.681-712.
8. Pellegrini, L. and Gerlagh, R. (2007) Causes of corruption: a survey of cross-country analyses and extended results, Springer-Verlag.